

رابطه میزان سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی

مطالعه موردی: مهاجران افغان ساکن شهر تهران

دکتر محمد زاهدی اصل*

طیبه طارزاری**

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲

چکیده

نیاز به امنیت از اولین نیازهایی است که انسان از ابتدای حیات خود آن را تجربه می‌کند و برخی از صاحب‌نظران آن را از عوامل زیر بنایی گرد آمدن انسان‌ها در کنار هم و تشکیل اجتماعات انسانی می‌دانند. این نیاز دارای ابعاد عینی و ذهنی است که بعد عینی آن شرایط واقعی موجود در جامعه بوده و بعد ذهنی آن احساس و برداشتی است که افراد از شرایط عینی در ذهن‌شان دارند. این پژوهش به بررسی بعد ذهنی امنیت

* استاد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

اجتماعی - احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهر تهران و رابطه آن با میزان سرمایه اجتماعی آنها - می‌پردازد.

این بررسی مطالعه‌ای تبیینی است که جامعه آماری آن را تمام مهاجران افغان ساکن شهر تهران (حدوداً ۶۷۰۰۰ نفر) تشکیل می‌دهند، که از آن میان تعداد ۳۹۹ نفر از طریق فرمول کوکران نمونه‌گیری و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و گلوله برفی مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت سنجش احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی از پرسشنامه‌ای محقق ساخته که اعتبار و روایی آن مورد تایید قرار گرفت، استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که پاسخگویان از میزان احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی متوسطی برخوردارند و میان میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغانی و میزان سرمایه اجتماعی آنها رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و وجود رابطه میان اعتماد اجتماعی و هنجارهای همیاری به عنوان دو بعد از سرمایه اجتماعی، با احساس امنیت اجتماعی نیز اثبات گردید که موید نظریه پوتنام و کاکس در این زمینه است.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مهاجران افغانی.

طرح مساله

یکی از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موضوع و مفهوم "امنیت" است. امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای زندگی فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد. اهمیت وجود این عامل در زندگی تا حدی است که برخی متفکران اجتماعی در تعاریف خود کلمه «امنیت» را مترادف با مفهوم «سلامتی» به کار گرفته و وجود آن را ضامن بقاء و پایداری جامعه سالم پنداشته‌اند. مولفه‌های اجتماعی چون وفاق اجتماعی، احساس تعلق خاطر به ارزش‌ها، سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی شکل دهندگان به امنیت و احساس ایمنی

۳ رابطه میزان سرمایه اجتماعی با احساس امنیت ...

در جامعه هستند و بر اساس چنین شاخص‌هایی است که شکنندگی یا استحکام اجتماعی مشخص می‌شود.

سرمایه اجتماعی که به معنای "مجموعه‌ای از روابط، تعاملات و شبکه‌های اجتماعی در میان افراد و گروه‌های اجتماعی است که موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل عمل جمعی می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۳۸)" از جمله عواملی است که بر احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه تاثیر می‌گذارد. سرمایه اجتماعی پیوند ارتباطی میان افراد را تقویت می‌کند و هرگاه این پیوندها افزایش یابند، دولت و نظام سیاسی نیز کارآمد و باثبات می‌شوند و به دنبال آن اعتماد اجتماعی و قابلیت‌ذهنی افراد نیز افزایش می‌یابد (شفیعی و محقر، ۱۳۸۴: ۲۶).

به اعتقاد چلبی، هر قدر در سطوح گوناگون، شبکه روابط اجتماعی جامعه افزایش یابد به همان میزان نیز احساس عجز در مقابل مشکلات و بحران‌ها کاهش می‌یابد و این خود سبب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۱). از جمله پدیده‌هایی که همواره ذهن متفکران حوزه امنیت را به خود مشغول داشته مهاجرت^۱ است، چرا که از سویی در سطح کلان، یکی از علل عمده حرکت جمعیت از جامعه مبدا "عدم وجود امنیت" بوده و همچنین این پدیده بر امنیت جامعه مقصد نیز تاثیرگذار است. از سوی دیگر، در سطح خرد نیز احساس امنیت مهاجران در جامعه مقصد مطرح می‌گردد که این احساس تحت تاثیر عوامل مختلف، متغیر است. در واقع، مهاجرت واکنشی طبیعی به تفاوت‌های ساختاری در زمینه‌های: رشد جمعیتی، فرصت‌های اقتصادی و امنیت و حمایت‌های حقوق بشری (مارتین، ۱۳۸۳: ۸۱) می‌باشد.

کشورمان به دلایلی چون وجود امنیت نسبت به کشورهای پیرامونش، رونق اقتصادی و وجود فرصت‌های شغلی (به ویژه پس از آغاز استخراج نفت)، مشترکات زبانی، دینی و فرهنگی با کشورهای اطرافش و مانند اینها، تاکنون میزبان صدها هزار

مهاجر بوده است. بیشتر این مهاجران افغانی‌اند به نحوی که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ حدود ۱۵۴۷۶۷۹ نفر مهاجر در کشور سکونت داشته که مهاجرین افغانی دارای بیشترین سهم از این تعداد (۱۴۵۲۵۱۳ نفر) هستند. (گزیده سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران: ۳۳). دارا بودن ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان، مشترکات دینی و زبانی، وجود فرصت‌های شغلی و عدم وجود قوانین مهاجرتی خاص در ایران، وجود ناامنی و رکود اقتصادی در افغانستان، نزدیکی ایران به موطن مهاجران و امکان بازگشت آسان‌تر آنان به وطن‌شان و... باعث مهاجرت گسترده افغانی‌ها به ایران گردیده و ایران پس از پاکستان، دومین کشور پذیرای مهاجران و پناهندگان افغانی است. مهاجران در ایران عواملی مانند نظام متفاوت ارزشی، احساس انزوای اجتماعی، اشتغال به کارهای سخت و طاقت فرسای بدنی، دوری از خانواده و دوستان و به عبارتی دوری از حمایت‌های اجتماعی، فقر و گاهی عدم پذیرش اجتماعی را تجربه می‌کنند؛ بنابراین، ویژگی‌های روانی و اجتماعی از جمله احساس امنیت اجتماعی مهاجران در ایران می‌تواند به طور معناداری با ویژگی‌های هموطنان‌شان در افغانستان متفاوت باشد. مهاجران افغانی پس از ورود به ایران، "تغییرات فیزیکی" مانند تغییر نوع مسکن یا تراکم فزاینده جمعیت، "تغییرات بیولوژیکی" مانند رژیم‌های جدید غذایی، "تغییرات سیاسی" مانند کنترل بیشتر بر گروه‌های غیرحاکم، "تغییرات اقتصادی" مانند اشکال جدید اشتغال، "تغییرات فرهنگی" مانند جابه‌جایی نهادهای اولیه زبانی، تربیتی و فنی، "تغییرات اجتماعی" نظیر تنظیم مجدد روابط بین‌گروهی، همچنین تغییرات در ارزش‌ها، نگرش‌ها، توانایی‌ها و علایق، را تجربه می‌کنند. وجود چنین شرایطی ممکن است به طور گذرا و یا مداوم بر احساس آرامش و امنیت مهاجران موثر باشد و باعث شود که مهاجران خود را در معرض تهدیدات جانی، شغلی، مالی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی از سوی افراد جامعه مقصد ببینند. حال اگر مهاجران با وجود تغییرات ناشی از مهاجرت، شرایط متفاوتی مانند پذیرش از سوی افراد جامعه مقصد، ارتباط با آنها، فضای اعتماد و مشارکت

اجتماعی را تجربه کنند، ممکن است احساس ایمنی و آرامش بیشتری نمایند. براین اساس سوال اصلی پژوهش این است که سرمایه اجتماعی یعنی متغیرهای اعتماد اجتماعی، هنجارهای همپاری و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی چه رابطه‌ای با میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغانی شهر تهران دارد؟

مبانی نظری

آن چه در گذشته در بحث امنیت مطرح می‌شد، فراغت از جنگ و خشونت، برخوردهای خونین نظامی و در نهایت دستیابی به صلح بود. با این تصور، تهدید نظامی مهم‌ترین عامل بر هم زنده امنیت به شمار می‌رفت و به تبع آن مهم‌ترین هدف تشکیل حکومت‌ها و وظیفه دولت‌ها، افزایش قدرت نظامی و توان دفاعی بود. بنابراین تا حدود سال ۱۹۹۳ که بحث امنیت اجتماعی مطرح شد، عوامل سخت افزاری ایجاد امنیت مانند تجهیز نیروی نظامی جوامع، بیشتر از عوامل انسانی مانند کیفیت زندگی، رفاه، بهبود شرایط اقتصادی، مشارکت اجتماعی و این گونه متغیرها مورد توجه قرار داشتند. براین اساس در این دوران حفظ امنیت ملی بر سایر ابعاد امنیت اولویت داشت.

امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی بوده و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل^۱، ۱۳۷۹: ۵۱). به این ترتیب، هر کشوری موظف است از دولت و مرزهای جغرافیایی خویش در مقابل دشمنان و متجاوزان خارجی دفاع نموده و با زدودن آسیب‌ها و خطرات، امنیت را برای شهروندان مرز و بوم خویش فراهم نماید. پس از رنسانس و با گسترش فردگرایی و محوریت یافتن انسان در بیشتر شئون زندگی، بشر به حیث انسان بودن دارای حقوقی شناخته شد که رعایت آن برای تمام جوامع لازم و ضروری به نظر آمد.

۱. Mandel

از این رو برای حفظ و نگهداری حقوق عام بشری و تمهیداتی جهت جلوگیری از تعدی و تعرض به آنها، امنیت انسانی به عنوان ترجمان این نیاز در روابط بین الملل اهمیت یافت. مرجع امنیت انسانی، فرد است که از حیث تعلق به جامعه انسانی مورد توجه می‌باشد و حفظ و استمرار بقای آن با از میان بردن یا کنترل مخاطرات و تهدیداتی که بقای انسان را به مخاطره می‌اندازد، امکان پذیر می‌گردد. در این هنگام، امنیت ملی در دو بعد خارجی و داخلی بازنگری شد و مسائلی چون نظم اجتماعی، میزان جرایم، آشوب‌های خیابانی و مشارکت عمومی در دستور کار برنامه‌های دولت قرار گرفت. بر این اساس، حفظ جان، مال و تمام شئون زندگی شهروندی در سایه برقراری امنیت عمومی فراهم می‌آید.

با گذشت زمان مشخص شد که امنیت (به معنای عدم تشویش و ترس، آسودگی و اطمینان) فقط با کنترل جرایم و امنیت شهروندان تامین نمی‌گردد و امنیت زمانی تامین می‌شود که مشکلات گریبان‌گیر افراد نیز، متولی داشته و توسط سازمان‌های جامعه حل و فصل شود. بیکاری و عدم امکان تامین معاش به دلیل بیماری، از جمله مواردی هستند که آرامش و آسودگی خیال را از افراد سلب نموده، مانع زندگی متناسب شده و زمینه‌های جرم زایی و آسیب‌پذیری را رقم می‌زنند. برای رفع این مشکلات، تامین اجتماعی به عنوان وجهی از امنیت اجتماعی طرح و برنامه ریزی شد. امنیت - اجتماعی با ایجاد تسهیلاتی در جهت رفع مشکلات معیشتی، درمانی، سرپرستی، شغلی و... موجب تضمین زندگی فردی یا خانوادگی شده، دغدغه و اضطراب را از افراد ربوده و موجبات خاطر جمعی آنان را فراهم می‌نماید.

مفهوم امنیت اجتماعی به مفهوم فنی کلمه برای اولین بار در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان^۱، ویور^۲ و لمیتر^۳ با عنوان مکتب کپنهاک مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت، تهدیداتی بود که «هویت‌گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده

۱. Barry Bvzan

۲. Waiver

۳. Lmyter

بودند. بدین معنا که از یک سو با رشد فناوری‌های نوین و مجتمع‌های صنعتی، هویت بعضی گروه‌ها در هویت‌های مسلط هضم می‌شد و از سوی دیگر با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی و آنومی در تمایزهای هویتی پدیدار می‌گردید.

باری بوزان امنیت اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). تعریف دیگری از این دست متعلق به ویور است؛ وی «امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش در شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند» (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۲). از دیدگاه بوزان و ویور، امنیت اجتماعی با امنیت دولتی فاصله می‌گیرد و در پی حراست از ویژگی‌های نامحسوس و غیرمادی شهروندانی است که در قالب گروه‌های ملی، مذهبی و قومی در جامعه به ایفای نقش می‌پردازند. در واقع، پاسداری و حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های حیاتی و بنیانی چنین گروه‌هایی، هدف امنیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۱۶).

به این ترتیب بحثی را که جامعه‌شناسان کلاسیک مانند کنت^۱، دورکیم^۲، پارسونز^۳ و... از امنیت با تاکید بر "نظم اجتماعی" (جامعه‌شناسی نظم) مطرح نموده بودند؛ پی گرفته شد. کنت توافق ذهن‌ها بر اصول اخلاقی را علت نظم اجتماعی می‌دانست و ناهماهنگی عمیق فکری و به عبارت دیگر هرج و مرج فکری را اساس بی‌نظمی اجتماعی به حساب می‌آورد.

پارسونز اعتقاد داشت که چهار عنصر تعیین کننده نظم وجود دارد: اقتصاد (ارگانیزم)، سیاست (شخصیت)، نظام فرهنگی (فرهنگ) و نظام اجتماعی (اجتماع).

۱. Count
۲. Durkheim
۳. Parsons

اقتصاد حوزه تولید و بهره‌برداری است که نمادش ثروت و کارکرد آن تطابق و سازگاری است؛ زیرا از راه حواس است که تماس با جهان فیزیکی برقرار می‌شود، خواه برای دستکاری یا تغییر. بنابراین با ارگانسیم است که سازگار شدن با محیط با نیازهای کنش صورت می‌گیرد. سیاست حوزه بسیج و سازمان دهی است که شخصیت را در درون تنظیم می‌کند و چیزی که در سطح خرد انگیزه می‌نامیم و سمبل آن قدرت است که کارکرد آن نیز تحقق اهداف جمعی است. اهداف تعیین شده و منابع و انرژی‌ها برای دسترسی به اهداف مورد نظر بسیج می‌شوند. فرهنگ حوزه تفکر و حوزه تولید اندیشه است. این فرهنگ است که از رهگذر هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی که به کنشگران اجتماعی پیشنهاد یا تحمیل می‌کند، برای‌شان انگیزه و آمادگی ذهنی برای کنش فراهم می‌کند و نماد آن معرفت می‌باشد. نظام اجتماعی حوزه تعاملاتی است که با تعامل احساسات ما شکوفا می‌شود و وفاداری به اصول و پیمان‌ها را به وجود می‌آورد، حدود و فرجه آزادی عمل را تعیین می‌کند و سمبل آن تعهد و وفاداری است که می‌تواند در جامعه یگانگی و وحدت ایجاد کند.

مرتون^۱ معتقد بود که اگر در جامعه‌ای کارکرد عنصر فرهنگی (تعیین کننده اهداف و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی) و عنصر اجتماعی (تعیین کننده وسایل نهادی شده نیل به اهداف) با هم هماهنگ باشند، در آن جامعه نظم وجود دارد و الگوی تطابق مردم در زندگی، الگویی هم‌نویانه خواهد بود. حال اگر این هماهنگی نباشد، یعنی بین فرهنگ و اجتماع از لحاظ کارکردی ناهماهنگی پیش بیاید آنگاه شاهد ناهمنوایی در میان مردم و رواج انحراف خواهیم بود.

یکی از مفهوم سازی‌هایی که در قرن حاضر و به شکلی بومی در حوزه امنیت شکل گرفته است تقسیم بندی چهار بعدی مسعود چلبی از امنیت می‌باشد. او معتقد است چهار علقه افضل و عام برای انسان وجود دارد، که می‌توان آنها را از هم تفکیک

۱. Merton

کرد: علقه شناختی (فرهنگی)، علقه مادی (اقتصادی)، علقه جمعی (اجتماعی) و علقه امنیتی (سیاسی) (چلبی، ۱۳۸۳: ۶۳). وی ناامنی را ناشی از تضعیف اعتماد اجتماعی فرض کرده که خود ریشه در سیاسی شدن نظم اجتماعی دارد، به بیان او "در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر صبغه سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی - فرهنگی آن تضعیف شود، یعنی ضعف در اجتماع عام و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سوگیری عاطفی و خاص‌گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و به همان نسبت میزان اعتماد اجتماعی متقابل و تعمیم یافته، تضعیف گشته و علقه امنیتی آنها برجسته می‌گردد. این نظریه به پیوند میان ابعاد سرمایه اجتماعی و نظم اجتماعی (امنیت اجتماعی) اشاره دارد.

سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی زیادی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در ترها و مقالات دانشگاهی بویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با کارهای افرادی چون جیمزکلن^۱، پیربورديو^۲، رابرت پوتنام^۳ و فرانسیس فوکویاما^۴ افزایش یافته است (Wall, ۱۹۹۸, ۲۵۹). سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی و رسمی است که اعضای گروه یا شهروندان با سازمان‌ها و نهادهای جامعه از طریق همکاری، اعتبار و اعتمادشان نسبت به فعالیت‌های یکدیگر بدست می‌آید؛ به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی می‌باشد. «سرمایه اجتماعی گاهی اوقات دارایی فرد به شمار می‌آید؛ در آن صورت به شبکه‌های اجتماعی گسترده و منابع قابل دسترس برای فرد تأکید می‌گردد و در مواردی دیگر به کیفیت این روابط در قالب هنجارهای اعتماد و همیاری پرداخته می‌شود، در این جا سرمایه اجتماعی دارایی جمع قلمداد

۱. James Coleman

۲. Pierre Bourdieu

۳. Robert Putnam

۴. Francis Fukuyama

می‌گردد» (توسلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲). به علت گسترش کیفی و کمی نظریه‌های سرمایه اجتماعی در دهه‌های اخیر، تنها دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی را که مباحث آن‌ها الهام بخش بوده و رویکردهای نظری اصلی را شکل داده است، مرور می‌نماییم:

به نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۴۷). به نظر وی سرمایه اجتماعی، به عنوان شبکه‌ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی‌وقفه به دست می‌آید. به عبارت دیگر شبکه روابط، محصول راهبردهای سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی آگاهانه یا ناخودآگاه است که هدفش ایجاد یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند. کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بوردیو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله‌مراتبی (جامعه سرمایه‌داری) بهبود می‌بخشند. از این جهت می‌توان رویکرد او را ابزاری، فردگرا و متأثر از تئوری سرمایه مارکس و بیشتر تضادگرا تلقی کرد (توسلی، ۱۳۸۲: ۱۰).

به نظر کلمن سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند:

الف) همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند (عناصر و پیوندهایی که حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشند).

ب) واکنش‌های معین افرادی که در درون ساختار هستند - اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی - را تسهیل می‌کنند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست نیافتنی خواهند بود را امکان‌پذیر می‌سازند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

پوتنام سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و همکاری در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل را تسهیل می‌کنند (غریبی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). پوتنام سرمایه اجتماعی را در آثار فراوان خود با سه مولفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که عبارتند از: الف) شبکه‌ها، ب) هنجارهای همیاری، ج) اعتماد.

الف) شبکه‌ها^۱: پوتنام مانند دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی و در واقع ایده مرکزی تئوری‌های سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند (پوتنام، ۲۰۰۲: ۶). شبکه هر فرد مبتنی بر پیوندها و روابط وی با دیگران است. اعضای شبکه فرد مهمترین منابع کمکی هستند که فرد در صورت نیاز می‌تواند به آنها مراجعه کند. امکان دریافت حمایت‌های اجتماعی از سوی شبکه سبب می‌گردد تا افراد در صورت برخورد با مشکلات مالی، روحی، عاطفی و... از توانمندی بیشتر برای مبارزه با آن برخوردار باشند. شبکه‌های شخصی^۲، عمدتاً افراد را در بحران‌های زندگی حمایت می‌کنند. از دیدگاه نظریه شبکه، افرادی که در شبکه روابط گسترده‌تری قرار دارند سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. شبکه روابط دسترسی آنها را به منابع گوناگون امکان پذیر می‌سازد و به آنها در یافتن شغل، حمایت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و سلامت جسمانی و روانی کمک می‌کند.

ب) هنجارهای همیاری: پوتنام هنجار همیاری را یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند و معتقد است جوامعی که در آنها از این هنجار پیروی می‌شود به گونه‌ای موثرتر می‌توانند بر فرصت طلبی فائق آمده و مشکلات جمعی را حل نمایند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۹۸).

۱. Networks

۲. Pesonal Networks

ج) اعتماد: اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری است که حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران بوده و در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران به دست می‌آید، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، یک اعتماد غیر شخصی‌تر با شبکه غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

پوتنام از دو نوع اعتماد نام می‌برد که نوع اول اعتماد شخصی^۱ است یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با یک فرد بستگی دارد. این اعتماد در روابط چهره به چهره معنا پیدا می‌کند و بسیاری از موانع ارتباطی را برطرف می‌سازد و تعاملات میان دوستان، خویشاوندان، همسایگان، همکاران و... را در بر می‌گیرد. اعتماد شخصی در روابط اجتماعی توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود.

نوع دوم اعتماد که اعتماد تعمیم یافته^۲ است در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر ضروری است که شعاع اعتماد را از نزدیکان و اطرافیان فراتر برده و موجب تعاملات گسترده‌تر در سطح جامعه می‌شود. موضوع این اعتماد مشاغل، حرفه‌ها و نیز موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد که افراد بیشتر با آنها سر و کار دارند مانند: شهرداری، کلانتری، مدارس، مراکز درمانی و... (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳). هر اندازه اعتماد فرد به گروه‌های پیرامون و جامعه بزرگ‌تر بیشتر باشد در مواقع بحرانی زندگی احساس امنیت بیشتری خواهد داشت چرا که امید دارد اعضای شبکه و دیگران به کمک او خواهند شتافت و او را تنها نخواهند گذاشت.

فرانسیس فوکویاما نیز مانند پوتنام، سرمایه اجتماعی را در سطح کلان (در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آنها) مورد بررسی قرار داده است و مولفه‌های مورد بحث پوتنام (شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای اعتماد و همیاری) در بحث وی نیز تکرار می‌شوند. به نظر وی سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی (صداقت، ادای تعهدات و

۱. Personal trust

۲. Generalized trust

ارتباطات دوجانبه) تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲). مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما عبارتند از خانواده و هنجارهای اجتماعی (همان: ۱۰۶-۹۷).

کاکس^۱ سرمایه اجتماعی را به عنوان "نوعی اتصال اجتماعی تار و پود بافتار اجتماعی در نظر می‌گیرد که در برگیرنده تعاملات بیشماری است که زندگی شخصی و عمومی ما را شکل می‌بخشد. در این تعریف سرمایه اجتماعی به مثابه علقه‌ها، تعلقات و گره‌هایی است که بافتار اجتماعی را استحکام می‌بخشد" (شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۸۵). آنچه کاکس آن را اتصال اجتماعی^۲ تعبیر می‌کند، چیزی است که ما را به هم پیوند می‌دهد و بر حسب هویت‌های جمعی که در آن پرورش یافته و شرکت داشته‌ایم تعریف می‌کند، به تعبیری می‌توان گفت هویت‌های جمعی به مثابه طرح و نگاری است که بر بافتار اجتماعی نقش می‌بندد. رسیدن به یک هویت جمعی از عناصر اصلی و ملزومات تشکیل سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد. تعلقات اولیه نسبت به والدین و اطرافیان با رشد و اجتماعی شدن بیشتر فرد، فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی را ممکن می‌سازد. فرایند همانند سازی با دیگران به واسطه نوعی ارجاع به اجتماع، زمانی صورت می‌گیرد که تعلق مطمئن، احساس امنیت، اعتماد و همدلی در فرد شکل گرفته باشد تا بتواند آن را به سایر افراد اجتماع تعمیم دهد (همان: ۹۰).

چارچوب نظری تحقیق

با بهره‌گیری از نظریات مطرح شده در زمینه سرمایه اجتماعی مانند نظریه پوتنام، کاکس و فوکویاما و نظریات حوزه امنیت اجتماعی مانند نظریه بوزان، ویور و پارسونز چارچوب نظری این پژوهش به شکل زیر مطرح شد.

۱. cox

۲. Social glue

پوتنام سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و همکاری در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل را تسهیل می‌کنند (غریبی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). براین اساس سه مولفه اصلی سرمایه اجتماعی که تبیین کننده امنیت اجتماعی‌اند، مطرح گردیدند که به عنوان متغیرهای مستقل این پژوهش مطرح شده‌اند و فرضیه‌های پژوهش نیز از نظریات مرتبط با آنها استنتاج شده است.

۱) اعتماد اجتماعی: این متغیر در نظریه پوتنام، کلمن و فوکویاما به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی مطرح می‌شود. "کاکس با تاکید بر عامل اعتماد به عنوان شاخص اصلی سرمایه اجتماعی این نکته را خاطر نشان می‌سازد که در صورت وجود اعتماد بین افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و اجتماعات موثرتر خواهد بود؛ در صورتی که فقدان اعتماد، رفتارهای ضد - اجتماعی، جرم، خودکشی، خشونت و سایر مسائل اجتماعی را در پی خواهد داشت" (شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۸۹).

کلمن بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های خاص در جامعه می‌شود و دستیابی به برخی اهداف که بدون وجود سرمایه اجتماعی امکان پذیر نیست را ممکن می‌سازد. بر این اساس همچنانکه سرمایه اجتماعی پشتوانه‌ای برای دستیابی به برخی اهداف و منابع را امکان پذیر می‌سازد به نوعی حمایت از افراد را در مقابل تهدیدهای مختلف در زندگی فراهم آورده و احساس ناامنی را در فرد کاهش می‌دهد و برای او اطمینان خاطر فراهم می‌آورد. براین اساس فرضیه اول پژوهش به بررسی ارتباط میان اعتماد و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان می‌پردازد.

۲) هنجارها: پوتنام هنجارهای همیاری را یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند و معتقد است جوامعی که در آنها از این هنجارها پیروی می‌شود به گونه‌ای موثرتر می‌توانند بر فرصت طلبی فائق آمده و مشکلات جمعی را حل نمایند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۹۸). به زعم ویور و بوزان پاسداری و حفظ ارزش‌ها، ویژگی حیاتی و

بنیادی گروه‌های اجتماعی، هدف امنیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد. همچنین پارسونز عقیده دارد افراد هنجارها و ارزش‌ها را درونی می‌کنند و از طریق آن، ارزش‌ها و هنجارها جزء اعتقادات درونی، امتیازات شخصی و انتظارات افراد از یکدیگر می‌شود. به نظر پارسونز هر چقدر که ارزش‌ها بیشتر درونی شوند امکان سازگاری فرد با محیط و شرایط اجتماعی خود افزایش یافته و امنیت بیشتری حاصل می‌شود. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش یعنی احتمال وجود رابطه میان هنجارهای همیاری و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن تهران، مطرح می‌شود.

۳) شبکه‌های اجتماعی: پوتنام شبکه‌های اجتماعی را به عنوان عوامل اصلی ایجاد رابطه بین امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیان می‌کند. شبکه اجتماعی از نظر کلمن یکی از خاصیت‌های روابط اجتماعی است که هنجارهای نافذ به آن بستگی دارد. به طور کلی می‌توان گفت که یکی از شروط لازم و نه کافی برای ظهور هنجارهای نافذ، عملی است که آثار خارجی بر دیگران تحمیل می‌کند. از نظر کلمن بستگی ساختار اجتماعی نه تنها برای وجود هنجارهای نافذ و موثر، بلکه برای شکل دیگری از سرمایه اجتماعی که عبارت است از قابلیت اعتماد به ساختارهای اجتماعی، اهمیت دارد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۶۵). امنیت جامعه‌ای از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و به بیان دیگر مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت اجتماعی یا گروهی وی را سامان بخشیده است. در واقع احساس وابستگی و تعلق که میان اعضای گروه وجود دارد باعث می‌شود گروه اجتماعی به وجود آید و اشتراک در باورها، اندیشه‌ها، احساسات و عواطف در افراد احساس ما بودن را به وجود می‌آورد. بدین ترتیب هویت اجتماعی و یا امنیت اجتماعی به وجود می‌آید. به اعتقاد چلبی، هر قدر در سطوح گوناگون، شبکه روابط اجتماعی جامعه افزایش یابد به همان میزان نیز احساس عجز در مقابل مشکلات و بحران‌ها کاهش می‌یابد و این خود سبب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۱). با توجه به اهمیت شبکه‌های اجتماعی در

شکل‌گیری احساس امنیت اجتماعی فرضیه سوم پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که؛ احتمالاً میان شبکه‌های اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن تهران رابطه وجود دارد.

بنابر نظریات مطرح شده، متغیرهای ایجادکننده سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) بر میزان احساس امنیت اجتماعی تاثیر گذارند، براین اساس فرضیات پژوهش به صورت زیر مطرح شدند:

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: میان سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغانی ساکن شهر تهران رابطه وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه این افراد سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند از احساس امنیت اجتماعی بیشتری برخوردار خواهند بود و برعکس.

فرضیه‌های فرعی

۱. میان اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهر تهران رابطه وجود دارد؛ به این معنی که هر چه میزان اعتماد اجتماعی افراد بیشتر باشد از میزان احساس امنیت اجتماعی بیشتری برخوردار خواهند بود.

۲. میان هنجارهای همیاری و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهر تهران رابطه وجود دارد؛ به این معنی که هر چه میزان هنجارهای همیاری در این افراد بیشتر باشد از میزان احساس امنیت اجتماعی بیشتری برخوردار خواهند بود.

۳. میان شبکه‌های اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهر تهران رابطه وجود دارد؛ به این معنی که هرچه میزان ارتباط فرد با

شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد از میزان احساس امنیت اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد بود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تبیینی و از نوع پیمایشی می‌باشد و جامعه آماری آن تمام مهاجران افغان ساکن شهر تهران می‌باشند که آمار آنها بر اساس گزارش اداره امور اتباع وزارت کشور در حدود ۶۷۰۰۰ نفر می‌باشد.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای^۱ می‌باشد. به این منظور افراد را در دسته‌هایی خوشه‌بندی کردیم (مناطق ۲۲ گانه تهران) و به قید قرعه از میان مناطق، دو منطقه ۱ و ۲۰ انتخاب شده و با روش نمونه‌گیری گلوله برفی به جمع‌آوری اطلاعات از ۳۹۹ نفر از مهاجران افغانی (حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید) اقدام نمودیم.

جهت جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. در این پرسشنامه ۶۱ سوال جهت سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و همچنین جهت جمع‌آوری برخی اطلاعات زمینه‌ای، مطرح شد. اعتبار پرسشنامه پژوهش حاضر از نوع اعتبار صوری بوده؛ به این معنی که اعتبار پرسشنامه جهت سنجش متغیرها با مراجعه به داوران و متخصصان اهل فن مورد تایید قرار گرفت. جهت سنجش پایایی گویه‌ها پس از تکمیل ۲۰ پرسشنامه «آزمون آلفای کرونباخ» اجرا شده و پایایی پرسشنامه احساس امنیت اجتماعی که متشکل از ۲۷ گویه بود ۰/۸۷ محاسبه شده و پایایی تمام گویه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی نیز ۰/۸۱ محاسبه گردید.

یافته‌های پژوهش

۱. Cluster sampling

پس از جمع آوری داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش و با استفاده از نرم افزار SPSS نتایج زیر حاصل گردید:

۱. یافته‌های توصیفی

۱.۱. ویژگی‌های جمعیت مورد مطالعه

انجام پژوهش حاضر نشان داد که ۲۵/۶ درصد پاسخگویان زن و ۷۴/۴ درصد آنها مرد بوده‌اند. خانواده بیشتر پاسخگویان در ایران حضور دارند (۸۲/۹ درصد) و فقط خانواده ۱۷/۱ درصد پاسخگویان در ایران حضور ندارند که می‌توان دلیل این امر را پیوندهای خانوادگی مهاجران افغان با خانواده‌های ایرانی، رشد سریع جمعیت آنها و تاثیر وجود خویشاوندان مهاجران در یک جامعه بر جذب مهاجران به آنجا دانست و شاید بتوان گفت که مهاجرانی که دارای خویشاوندانی در کشورمان هستند تمایل بیشتری به مهاجرت به ایران دارند.

در مورد وضعیت تاهل پاسخگویان نیز بیشتر پاسخگویان مجرد بوده (۶۸/۴ درصد)، و پس از آن ۳۰/۹ درصد متاهل و ۰/۸ درصد بی همسر در اثر فوت بوده‌اند. همچنین حدود ۷۴ درصد از پاسخگویان بین ۱۳-۲۹ سال سن دارند و حدود ۲۱ درصد بین ۳۰-۴۸ سال و ۴ درصد پاسخگویان نیز بین ۶۵-۴۹ سال سن دارند. براین اساس میانگین سن پاسخگویان ۲۵/۶ سال می‌باشد.

بیشترین قومیت را در میان پاسخگویان هزاره‌ها تشکیل داده‌اند و پس از آن پاسخگویان به ترتیب قومیت تاجیک (۲۶/۱)، پشتو (۳/۶)، عرب (۲/۳)، ترکمن (۱/۸)، ازبک (۱/۳) و دری (۰/۳) داشته‌اند. همچنین بیشتر پاسخگویان مذهب تشیع داشته‌اند. مهم‌ترین دلیل این که بیشتر پاسخگویان هزاره و شیعه مذهب هستند؛ آن است که معمولاً مهاجران، مقصد مهاجرت خود را در ایران بیشتر با توجه به قرابت فرهنگی، زبانی و مذهبی با جامعه مقصد انتخاب می‌کنند به نحوی که هزاره‌ها که فارس زبان و

شیعه مذهبند بیشتر در تهران، مشهد و... ساکن می‌شوند و تاجیک‌ها و اقوام سنی مذهب بیشتر در نواحی جنوب، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و... سکونت می‌کنند. میانگین مدت اقامت پاسخگویان در ایران نیز حدوداً ۱۵ سال است.

۲.۱. احساس امنیت اجتماعی و ابعاد آن

در پژوهش حاضر جهت سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن تهران، از ۲۷ گویه در هفت بعد جانی، مالی، عاطفی، اخلاقی، قضایی، جمعی و فکری استفاده گردید که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱- گویه‌های مورد استفاده در این پژوهش و نتایج آن در هفت بُعد مورد بررسی

جمع	*	۱	۲	۳	۴	۵	تعداد	گویه‌های احساس امنیت اجتماعی
۳۹۹	۰	۶	۱۱۴	۱۲۵	۱۲۷	۲۷	تعداد	در اینجا احتمال این که جسم و جان مردم در اثر سوانح و حوادث (سیل، تصادف، زلزله، آتش سوزی و...) آسیب ببیند زیاد است.**
۱۰۰	-	۱/۵	۲۸/۶	۳۱/۳	۳۱/۸	۶/۸	درصد	
۳۹۹	۰	۲۱	۱۳۵	۱۱۸	۱۱۲	۱۳	تعداد	احساس می‌کنم در مقابل آسیب‌های جسمی ناشی از دیگران و محیط ایمن هستم.**
۱۰۰	-	۵/۳	۲۳/۸	۲۹/۶	۲۸/۱	۳/۳	درصد	
۳۹۹	۳	۲۰	۹۹	۱۲۱	۱۱۳	۴۳	تعداد	نگران آن هستم که خود یا خانواده‌ام دچار آسیب جانی شویم.**
۱۰۰	-	۵/۱	۲۵	۳۰/۶	۲۸/۵	۱۰/۹	درصد	
۳۹۹	۰	۱۴	۹۳	۷۶	۱۷۸	۳۸	تعداد	از این که به بیماری‌های سختی مانند هپاتیت و سرطان دچار شوم، نگرانم.**
۱۰۰	-	۳/۵	۲۳/۳	۱۹	۴۴/۶	۹/۵	درصد	

۳۹۹	۱	۹	۴۳	۷۸	۱۹۸	۷۰	تعداد	از این که دیگران اموال و	احساس امنیت مالی
	۱۰۰	-	۲/۳	۱۰/۸	۱۹/۶	۴۹/۷	درصد	دارایی‌های مرا تصاحب کنند و یا دزدیده شوند، نگرانم.***	
۳۹۹	۱	۱۲	۷۴	۸۲	۱۱۴	۸۶	تعداد	من بسیار نگران از دست-	احساس امنیت مالی
	۱۰۰	-	۳	۱۸/۶	۲۰/۶	۳۶/۲	درصد	دادن خانه، ماشین، پول و... خود و خانواده‌ام هستم.***	
۳۹۹	۶	۴۸	۱۶۱	۱۰۵	۶۱	۱۸	تعداد	اگر به طور ناگهانی مشکل	احساس امنیت مالی
	۱۰۰	-	۱۲/۲	۴۱	۲۶/۶	۱۵/۳	درصد	مالی پیداکنم، کسانی هستند که مرا حمایت کنند.	
۳۹۹	۴	۲۷	۵۷	۹۳	۱۶۷	۵۱	تعداد	نگران از دست دادن شغلم	احساس امنیت مالی
	۱۰۰	-	۶/۸	۱۴/۴	۲۳/۵	۴۲/۳	درصد	هستم.***	
۳۹۹	۱	۸	۶۸	۱۵۷	۱۳۶	۲۹	تعداد	در اینجا من با افراد مهربان	احساس امنیت عاطفی
	۱۰۰	-	۲	۱۷/۱	۳۹/۴	۳۴/۲	درصد	و با محبتی ارتباط دارم.	
۳۹۹	۴	۲۷	۸۵	۱۰۳	۱۵۵	۲۵	تعداد	نارحتی و نگرانی‌هایم،	احساس امنیت عاطفی
	۱۰۰	-	۶/۸	۲۱/۵	۲۶/۱	۳۹/۲	درصد	دوستان، خویشاوندان، کارفرما و دیگر اطرافیانم را نگران می‌کند.	
۳۹۹	۰	۵۲	۱۰۹	۶۷	۱۵۰	۲۱	تعداد	ارتباط با دیگران رنج دوری	احساس امنیت عاطفی
	۱۰۰	-	۱۳	۲۷/۳	۱۶/۸	۳۷/۶	درصد	از وطن را برایم آسان می‌کند.	
۳۹۹	۳	۲۷	۶۶	۹۲	۱۴۶	۶۵	تعداد	دیگران با رفتارشان مرا تحقیر	احساس امنیت اخلاقی
	۱۰۰	-	۶/۸	۱۶/۷	۲۳/۲	۳۶/۹	درصد	می‌کنند.***	
۳۹۹	۶	۸۷	۸۹	۱۵۵	۴۷	۱۵	تعداد	اگر در شب وسیله نقلیه‌ام	احساس امنیت اخلاقی
	۱۰۰	-	۲۲/۱	۲۲/۶	۳۹/۴	۱۲	درصد	خراب شود و در راه بمانم، مردم به من کمک خواهند کرد.	
۳۹۹	۰	۱۰۰	۱۳۸	۷۰	۷۷	۱۴	تعداد	می‌توانم به تنهایی و با	احساس امنیت اخلاقی
	۱۰۰	-	۲۵/۱	۳۴/۶	۱۷/۵	۱۹/۳	درصد	اعتماد به معامله با دیگران	

۲۱ رابطه میزان سرمایه اجتماعی با احساس امنیت ...

								بپردازم.	
۳۹۹	۱	۱۲۵	۱۶۴	۶۸	۲۹	۱۲	تعداد	می توانم بدون نگرانی پول	
۱۰۰	-	۳۱/۴	۴۱/۲	۱۷/۱	۷/۳	۳	درصد	خود را برای سرمایه گذاری به دیگران بسپارم.	
۳۹۹	۰	۸۷	۱۱۷	۱۱۳	۶۵	۱۷	تعداد	احساس می کنم، مزدی که دریافت می کنم نسبت به کاری که انجام می دهم، عادلانه است.	
۱۰۰	-	۲۱/۸	۲۹/۳	۲۸/۳	۱۶/۳	۴/۳	درصد		
۳۹۹	۱	۱۰۰	۲۰۲	۵۶	۳۷	۳	تعداد	احساس می کنم از حقوقی برابر با سایر شهروندان برخوردارم.	
۱۰۰	-	۲۵/۱	۵۰/۸	۱۴/۱	۹/۳	۰/۸	درصد		
۳۹۹	۱	۸۹	۱۸۶	۶۱	۵۱	۱۱	تعداد	در صورت این که مورد ارباب، تهدید، تعرض و تجاوز قرار بگیرم، قانون ایران از من حمایت می کند.	احساس امنیت قضایی
۱۰۰	-	۲۲/۴	۴۶/۷	۱۵/۳	۱۲/۸	۲/۸	درصد		
۳۹۹	۱	۶۷	۱۷۶	۸۸	۵۴	۱۲	تعداد	قانون از جان، مال، آزادی و حیثیت من حمایت می کند.	
۱۰۰	-	۱۶/۹	۴۴/۳	۲۲/۲	۱۳/۶	۰/۳	درصد		
۳۹۹	۱	۹۳	۱۶۰	۹۴	۴۷	۲	تعداد	در اینجا قانون در مقابل انواع سوء استفاده از من دفاع می کند.	
۱۰۰	-	۲۳/۵	۴۰/۴	۲۳/۷	۱۱/۹	۰/۵	درصد		
۳۹۹	۶	۹۹	۱۵۸	۷۲	۵۳	۱۱	تعداد	من برای شرکت در تجمعات اعتراضی احساس آزادی می کنم.	
۱۰۰	-	۲۵/۲	۴۰/۲	۱۸/۳	۱۳/۵	۲/۸	درصد		
۳۹۹	۱	۱۰۰	۹۶	۵۷	۱۰۵	۴۰	تعداد	در اینجا جهت برگزاری و شرکت در مراسم سنتی خود هیچ نگرانی نداریم.	
۱۰۰	-	۲۵/۱	۲۴/۱	۱۴/۳	۲۶/۴	۱۰/۱	درصد		
۳۹۹	۰	۹۵	۱۲۳	۸۴	۷۵	۲۱	تعداد	در اینجا برپایی هر گونه	

۱۰۰	-	۲۴/۱	۳۰/۸	۲۱/۱	۱۸/۸	۵/۳	درصد	جلسه و سخنرانی درباره هر موضوعی بدون دلهره و نگرانی امکان پذیر است.	
۳۹۹	۰	۸۳	۱۹۹	۵۳	۵۸	۶	تعداد	من در بیان افکار و عقایدم احساس آزادی می‌کنم.	احساس امنیت فکری
۱۰۰	-	۲۰/۸	۴۹/۹	۱۳/۳	۱۴/۵	۱/۵	درصد	بدون احساس ترس و تهدید در مورد چگونگی امور جامعه نظر می‌دهم.	
۳۹۹	۰	۸۱	۲۲۴	۶۷	۲۱	۶	تعداد	احساس می‌کنم به فکر و نظرم درباره اداره امور جامعه اهمیت داده می‌شود.	
۱۰۰	-	۲۰/۳	۵۶/۱	۱۶/۸	۵/۳	۱/۵	درصد	از این که در مورد افکارم با دیگران صحبت کنم، می‌ترسم.***	
۳۹۹	۰	۱۲۲	۲۰۱	۴۹	۲۲	۵	تعداد		
۱۰۰	-	۳۰/۶	۵۰/۴	۱۲/۳	۵/۵	۱/۳	درصد		
۳۹۹	۰	۲۷	۱۳۴	۱۲۹	۸۷	۲۲	تعداد		
۱۰۰	-	۶/۸	۳۳/۶	۳۲/۳	۲۱/۸	۵/۵	درصد		

۵ = کاملاً موافق ۴ = موافق ۳ = نه موافق نه مخالف ۲ = مخالف ۱ = کاملاً مخالف

درصد در این جدول همان درصد خالص (معتبر) است.

* بی‌جواب

** گویه‌های منفی

۳.۱. سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

جهت سنجش میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان نیز از ۲۷ گویه در سه بعد اعتماد اجتماعی، هنجارهای همیاری و شبکه اجتماعی استفاده شد که نتایج حاصل از آن در زیر آمده است:

۳.۱.۱. اعتماد اجتماعی (اعتماد فردی-اعتماد عمومی-اعتماد نهادی)

اعتماد فردی









۲۳ رابطه میزان سرمایه اجتماعی با احساس امنیت ...

میزان اعتماد پاسخگویان نسبت به اعضای درجه اول خانواده و نزدیکان شان به صورت زیر بدست آمد؛

جدول ۲- میزان اعتماد پاسخگویان نسبت به اعضای درجه اول خانواده و نزدیکان

جمع	بی جواب (فوت شده)	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	اعضای خانواده	
۳۹۹	*۱۳	۰	۴	۲۷	۵۱	۳۰۴	تعداد	پدر
۱۰۰	-	-	۱	۷	۱۳/۲	۷۸/۸	درصد	
۳۹۹	**۱+**۸	۰	۳	۱۳	۷۱	۳۰۳	تعداد	مادر
۱۰۰	-	۰	۰/۸	۳/۳	۱۸/۲	۷۷/۷	درصد	
۳۹۹	**۱	۳	۱۶	۶۲	۱۱۶	۲۰۱	تعداد	برادر
۱۰۰	-	۰/۸	۴	۱۵/۶	۲۹/۱	۵۰/۵	درصد	
۳۹۹	**۱	۳	۱۴	۶۱	۸۰	۲۴۰	تعداد	خواهر
۱۰۰	-	۰/۸	۳/۵	۱۵/۳	۲۰/۱	۶۰/۳	درصد	

*فوت شده **بی جواب

جمع	بی جواب	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	اعتماد فردی	
۳۹۹	۰	۸	۴۱	۲۱۲			تعداد	چه اندازه به دوستان
۱۰۰	-	۲	۱۰/۳	۵۳/۱			درصد	خود اعتماد دارید؟
۳۹۹	۰	۱۲	۲۰	۲۰۸			تعداد	اقوام و خویشاوندان
۱۰۰	-	۳	۵	۵۲/۱			درصد	نتان (عمو، عمه، دایی، خاله و ...)

								فرزندان را چقدر قابل اعتماد می- دانید؟
				۲۲۱			تعدا د	به همشهری- های خود چقدر اطمینان دارید؟
				۵۵/۴			در صد	به همکاران خود چقدر اعتماد دارید؟
							تعدا د	اگر از اطرافیان بخواید که به شما پول قرض بدهند چقدر پیش بنی می‌کنید کسی از آنها حاضر باشد این کار را انجام دهد؟
							در صد	

باترکیب نتایج حاصل از پاسخ‌های جمعیت مورد مطالعه به گویه‌های مربوط به اعتماد فردی (رابطه با گروه‌های اولیه و ثانویه) سه سطح اعتماد فردی پاسخگویان مشخص گردید؛ بر این اساس بیشتر پاسخگویان اعتماد فردی بالایی دارند (۶۲/۹ درصد) پس از آن ۳۶/۴ درصد اعتماد فردی متوسط و فقط ۰/۸ درصد اعتماد فردی پایینی دارند به این معنی که بیشتر پاسخگویان به افراد خانواده، خویشاوندان و همکاران خود اعتماد بالایی دارند و فقط تعداد کمی از آنها به این افراد اعتماد کمی دارند.

اعتماد عمومی

جهت سنجش اعتماد عمومی از چهار گویه استفاده گردید و به ترتیب ۵۰/۴ درصد پاسخگویان اعتماد عمومی متوسط و ۴۹/۱ درصد اعتماد عمومی پایین و فقط ۰/۵ اعتماد عمومی بالایی اعلام نموده‌اند:

جدول ۳- گویه‌های مورد استفاده جهت سنجش اعتماد عمومی و نتایج آن

جمع	بی جواب	کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق	اعتماد عمومی	
							تعداد	درصد
۳۹۹	-	۵۷	۱۳۳	۱۳۲	۷۴	۳	تعداد	بیشتر مردم صادق هستند.
۱۰۰	-	۱۴/۳	۳۳/۳	۳۳/۱	۱۸/۵	۰/۸	درصد	
۳۹۹	-	۴۷	۱۷۸	۱۳۷	۳۳	۴	تعداد	بیشتر افراد پاینده قول و قرار خود هستند.
۱۰۰	-	۱۱/۸	۴۴/۶	۳۴/۳	۸/۳	۱	درصد	
۳۹۹	۱	۱۵	۱۹	۴۲	۱۷۳	۱۴۹	تعداد	در اینجا آدم باید هوشیار باشد تا کسی حقش را نخورد.
۱۰۰	-	۳/۸	۴/۸	۱۰/۶	۴۳/۵	۳۷/۴	درصد	
۳۹۹	۳	۴۷	۱۶۹	۱۳۷	۳۹	۴	تعداد	بیشتر مردم در جامعه قابل
۱۰۰	-	۱۱/۹	۴۲/۷	۳۴/۶	۹/۸	۱	درصد	

								اعتمادند.
--	--	--	--	--	--	--	--	-----------

اعتماد نهادی

در این بعد از اعتماد اجتماعی میزان اعتماد مهاجران به شش مورد از نهادها و سازمان‌هایی که معمولاً با آنها در ارتباطند، سنجیده شد و پاسخگویان به ترتیب سطح اعتماد پایین (۵۰/۶ درصد)، متوسط (۴۲/۳ درصد) و تعداد کمی اعتماد بالایی (۷/۱ درصد) را اعلام نمودند.

جدول ۴- میزان اعتماد نهادی پاسخگویان

جمع	بی جواب	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	اعتماد نهادی	
۳۹۹	۳	۱۰۲	۹۹	۱۳۳	۳۷	۲۵	تعداد	بیمارستان‌ها
۱۰۰	-	۲۵/۸	۲۵	۳۳/۶	۹/۳	۶/۳	درصد	
۳۹۹	۱	۱۲۱	۱۳۳	۱۱۴	۲۷	۳	تعداد	دادگاه
۱۰۰	-	۳۰/۴	۳۳/۴	۲۸/۶	۶/۸	۰/۸	درصد	
۳۹۹	۰	۱۱۳	۱۱۹	۱۳۰	۲۱	۱۶	تعداد	پلیس راهنمایی و رانندگی
۱۰۰	-	۲۸/۳	۲۹/۸	۳۲/۶	۵/۳	۴	درصد	
۳۹۹	۱	۱۶۸	۱۵۳	۵۳	۱۲	۱۲	تعداد	کالانتری
۱۰۰	-	۴۲/۲	۳۸/۴	۱۳/۳	۳	۳	درصد	
۳۹۹	۰	۹۶	۱۳۰	۱۴۵	۱۵	۱۳	تعداد	کمیساریا
۱۰۰	-	۲۴/۱	۳۲/۶	۳۶/۳	۳/۸	۳/۳	درصد	
۳۹۹	۰	۸۸	۱۰۱	۱۴۰	۶۱	۹	تعداد	سفارت
۱۰۰	-	۲۲/۱	۲۵/۳	۳۵/۱	۱۵/۳	۲/۳	درصد	

با جمع نتایج حاصل از این سه متغیر (اعتماد فردی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی) مشخص گردید که اکثریت پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی متوسط دارند؛ یعنی ۹۴/۱ درصد پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی متوسط، ۳/۴ درصد میزان اعتماد بالا و ۲/۶ درصد میزان اعتماد اجتماعی پایینی را اعلام داشته اند.

۱.۳.۲. هنجارهای همیاری

جهت سنجش سطح هنجارهای همیاری موجود در زندگی پاسخگویان به عنوان دومین بعد از سرمایه اجتماعی از چهار گویه استفاده گردید که بیشتر پاسخگویان یعنی ۷۹/۸ درصد آنها میزان هنجارهای همیاری متوسط و پس از آن ۱۶/۴ درصد سطح پایین و ۳/۸ درصد وجود سطح بالایی از هنجارهای همیاری را نشان دادند.

جدول ۵- گویه‌های مورد استفاده جهت سنجش سطح هنجارهای همیاری موجود در

زندگی پاسخگویان و نتایج آن

جمع	بی جواب	کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق	هنجارهای همیاری
۳۹۹	۰	۱۷	۴۳	۹۶	۱۵۸	۸۵	تعداد در اینجاهمواطنان ما، بیشتر به فکر رفاه خانواده‌های خود هستند تارفاهموطنان دیگرشان
۱۰۰	-	۴/۳	۱۰/۸	۲۴/۱	۳۹/۶	۲۱/۳	درصد
۳۹۹	۰	۳۰	۱۴۲	۱۴۴	۷۴	۹	تعداد اگر مشکلی برای من پیش بیاید همیشه یک نفر پیدا می‌شود که به من کمک کند.
۱۰۰	-	۷/۵	۳۵/۶	۳۶/۱	۱۸/۵	۲/۳	درصد
۳۹۹	۲	۲۷	۱۵۳	۱۷۳	۳۷	۷	تعداد بیشتر مردم اگر از آنان کمکی خواسته شود اجابت می‌کنند.
۱۰۰	-	۶/۸	۳۸/۵	۴۳/۶	۹/۳	۱/۸	درصد

دیگران توجهی به نیازهای	تعداد	۴۳	۱۳۰	۱۳۵	۷۸	۱۳	۰	۳۹۹
من ندارند.	درصد	۱۰/۸	۳۲/۶	۳۳/۸	۱۹/۵	۳/۳	-	۱۰۰

۳.۳.۱. شبکه‌های اجتماعی

جهت سنجش میزان مشارکت افراد در شبکه‌های اجتماعی از چهار گویه استفاده گردید و بیشتر پاسخگویان میزان متوسطی از مشارکت در شبکه‌های اجتماعی (۷۵/۱ درصد)، ۱۸/۹ درصد مشارکت بالا و ۶ درصد نیز مشارکت پایینی را در شبکه‌های اجتماعی اعلام نمودند.

جدول ۶- گویه‌های مورد استفاده جهت سنجش میزان مشارکت افراد در شبکه‌های

اجتماعی و نتایج آن

شبکه‌های اجتماعی	کاملاً موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	کاملاً مخالف	بی جواب	جمع
من وقت زیادی را در ملاقات با دوستانم سپری می‌کنم.	تعداد	۷۸	۱۶۱	۱۰۴	۳۴	۲	۳۹۹
	درصد	۱۹/۶	۴۰/۶	۲۶/۲	۸/۶	-	۱۰۰
من دوستانی دارم که در کنار آنها احساس راحتی می‌کنم و می‌توانم مسائل خصوصی‌ام را به آنها بگویم.	تعداد	۱۱۵	۱۴۹	۱۰۹	۹	۰	۳۹۹
	درصد	۲۸/۸	۳۷/۳	۲۷/۳	۲/۳	-	۱۰۰
با همسایه‌هایمان ارتباط خوبی دارم.	تعداد	۱۴۳	۱۰۲	۹۶	۳۵	۰	۳۹۹
	درصد	۳۵/۸	۲۵/۶	۲۴/۱	۸/۸	-	۱۰۰
حداقل ماهی دو بار به	تعداد	۱۷۸	۸۷	۵۵	۴۷	۰	۳۹۹

۱۰۰	-	۱۱/۸	۱۳/۸	۲۱/۸	۴۴/۶	۸	درصد	دیدن قوم و خویشانم می‌روم.
-----	---	------	------	------	------	---	------	-------------------------------

۲. یافته‌های تبیینی

فرضیه اصلی تحقیق حاضر یعنی احتمال وجود رابطه معنادار میان سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغانی ساکن شهر تهران با انجام آزمون‌های d سامرز و تائوبی کنдал پذیرفته شد و اثبات گردید که میان این دو متغیر رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد ($s=0/001$)؛ بدین معنی که هر چه مهاجران افغانی سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند از احساس امنیت اجتماعی بیشتر برخوردار خواهند بود و برعکس.

این نتیجه تایید کننده چارچوب نظری پژوهش است. پوتنام معتقد است سرمایه اجتماعی پیوند میان افراد را تقویت می‌کند. پیوندهای متقابل موجب ارتقاء همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود و در نتیجه نیروهای همبستگی اجتماعی بر شرایط گسیختگی اجتماعی فائق آمده و باعث می‌شوند که احساس گم‌گشتگی، اضطراب و اندوه از میان انسان‌ها رخت بریندد. در بیانی دیگر وی سرمایه اجتماعی را عامل افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان می‌داند.

کاکس نیز در نگاهی متفاوت وجود امنیت اجتماعی را عامل شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌داند. وی رسیدن به یک هویت جمعی (که بوزان از آن بعنوان امنیت اجتماعی یاد می‌کند) را از عناصر اصلی و ملزومات تشکیل سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. به اعتقاد کاکس تعلقات اولیه نسبت به والدین و اطرافیان با رشد و اجتماعی شدن بیشتر فرد، فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی را ممکن می‌سازد. فرایند همانند سازی با دیگران به واسطه نوعی ارجاع به اجتماع، زمانی صورت می‌گیرد که تعلق مطمئن، احساس امنیت، اعتماد و همدلی در فرد شکل گرفته باشد تا بتواند آن را به سایر افراد اجتماع تعمیم دهد. بنابراین نتیجه حاصل شده بر چارچوب نظری پژوهش منطبق است.

فرضیه‌های فرعی پژوهش که ارتباط احتمالی سه متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، هنجارهای همیاری و شبکه‌های اجتماعی) را بیان می‌کردند نیز بررسی شده و نتایج زیر بدست آمد:

* بر اساس نتایج به دست آمده معلوم شد که میان دو متغیر اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن تهران رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد (S=۰/۰۰۹). به این معنی که هر اندازه اعتماد فرد به گروه‌های پیرامون و جامعه بزرگتر بیشتر باشد، در مواقع بحرانی زندگی احساس امنیت بیشتری خواهد داشت؛ چرا که امید دارد اعضای شبکه و دیگران به کمک او خواهند شتافت و او را تنها نخواهند گذاشت.

* فرضیه فرعی دوم پژوهش نیز با انجام آزمون‌های رابطه پذیرفته شد و وجود رابطه معنادار و مستقیم میان هنجارهای همیاری و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهر تهران (S=۰/۰۰۰) اثبات گردید.

نقش هنجارها علاوه بر اعمال نفوذ و کنترل بر افراد در فرایند جامعه پذیری، ایجاد عنصر اعتماد در روابط متقابل افراد در اجتماع و به تبع آن تقویت قاعده‌مندی رفتاری و انتظام در روابط اجتماعی است. بدین ترتیب سرمایه اجتماعی به صورتی همزمان در سطح فردی زمینه ساز معنا برای زندگی اجتماعی فرد و موجب مشارکت مثبت و فعال او در زندگی اجتماعی می‌شود و در سطح جمعی به قاعده‌مندی و نظم اجتماعی می‌انجامد. این قاعده‌مندی و انتظام خود را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز نشان می‌دهد (Oscar, ۱۹۹۵: ۳۷۱).

* فرضیه فرعی سوم که بیانگر وجود رابطه میان میزان مشارکت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی است رد شده و معلوم شد که میان شبکه‌های اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهر تهران رابطه معنادار وجود ندارد (S=۰/۰۶۴). پوتنام، شبکه‌های مشارکت اجتماعی را به عنوان خاستگاه دیگر مولفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی و همیاری مطرح نموده

است. وی معتقد است که شبکه‌های افقی یا مساوات طلب در قالب مشارکت‌های اجتماعی مانند: احزاب، باشگاه‌ها و انجمن‌ها به دلیل ارائه چارچوب‌های فرهنگی برای همکاری، موجب شکل‌گیری و گسترش هنجار اعتماد اجتماعی می‌شوند (Putnam & Goss, 2001: 6).

با این وجود، در پژوهش حاضر وجود رابطه میان این دو متغیر رد شده است که از نگاه پژوهشگران چنین یافته‌ای به دو دلیل می‌تواند باشد: ۱. کمی تعداد مولفه‌ها و گویه‌های مربوط به مشارکت در شبکه‌های اجتماعی. ۲. با توجه به نتایج حاصل از گویه‌های مربوط به احساس امنیت جمعی پاسخگویان که بیشتر آنها احساس امنیت جمعی متوسط و کمی دارند و با مهاجر و اقلیت بودن، در شبکه‌های ارتباط رسمی (انجمن‌ها، تشکل‌ها...) خود با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه‌اند، ممکن است که مشارکت‌شان در شبکه‌های ارتباطی تأثیری بر احساس امنیت اجتماعی آنها نداشته باشد. اثبات چنین امری نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج بدست آمده بیشتر پاسخگویان میزان احساس امنیت جانی متوسطی داشته‌اند و تقریباً تعداد کسانی که احساس امنیت جانی بالا و پایینی داشته‌اند به هم نزدیک بوده است؛ آنچه که در نتیجه گویه‌های مربوط به این بُعد مورد توجه است، این است که تعداد بسیار زیادی از پاسخگویان از این که توسط حوادث طبیعی، محیط و بویژه بیماری‌ها آسیب ببینند ابراز نگرانی نموده‌اند؛ شاید از دلایل این امر بتوان به شرایط محیط زندگی نامطلوب مهاجران، سطح پایین بهداشت در میان آنها و همچنین هزینه‌های سنگین و بیشتر اوقات سطح پایین خدمات درمان ایران به ویژه برای مهاجران غیرقانونی افغانی اشاره نمود.

بیشتر پاسخگویان احساس امنیت مالی متوسطی را اعلام نموده و تعداد خیلی کمی از آنها احساس امنیت مالی بالایی را اعلام نموده‌اند این در حالی است که در تحقیقی که محمودیان (۱۳۸۴) در مورد مهاجران افغانی انجام داد مهم‌ترین عامل ماندن آنها در ایران را امنیت اقتصادی دانست. بر این اساس شاید بتوان دلیل این وضعیت را تغییرات اخیر وضعیت اقتصاد کشورمان دانست، تغییراتی که باعث شد مهاجران افغان که پیش از این با انگیزه قوی رشد اقتصادی به ایران مهاجرت نموده بودند به دلیل دستمزد پایین و هزینه‌های بالای زندگی در ایران و از همه مهم‌تر کم ارزش شدن پول و درآمدشان هنگام تبدیل به دلار جهت ارسال برای خویشاوندان‌شان در افغانستان، به فکر بازگشت به کشورشان بیفتند. بیشتر پاسخگویان نگران تصاحب یا دزدیده شدن اموال خود یا خانواده‌شان هستند؛ بی‌تردید میان این امر و وضعیت حقوقی و قضایی و فرایند احقاق حق آنها در ایران که اتفاقاً بسیاری از آنها در این زمینه احساس ناامنی می‌کنند، ارتباط وجود دارد. همچنین تعداد زیادی از آنها در زمینه شغلی احساس ناامنی می‌کنند؛ توجه به شرایط کار آنها با توجه به دستمزد پایین، سختی کار، بی‌توجهی کارفرمایان به حقوق کارگران افغانی، عدم برخورداری کارگران افغانی از بیمه‌های درمانی و... توجه‌کننده وجود چنین احساسی در میان مهاجران افغانی می‌باشد.

در بُعد امنیت عاطفی نیز یکی از مواردی که بسیار مورد توجه است این امر است که بیشتر پاسخگویان نظر موافق و کاملاً موافق با گویه «دیگران با رفتارشان مراتحقیق می‌کنند» داشته‌اند. وجود چنین احساسی ممکن است ناشی از نگرش افغانیان در مورد خودشان، نگرش افغانیان در مورد رابطه دیگر افغانیان با آنها و در نهایت نگرش افغانیان در مورد رابطه و نگرش ایرانیان نسبت به آنها باشد. از آنجایی که این احساس میان بیشتر پاسخگویان وجود دارد به نظر می‌رسد که این احساس بیشتر ناشی از احساس خود افغانیان (بدلیل ذهنیت رایج مورد ظلم واقع شدن در اقلیت‌ها) و بیشتر از آن، از ذهنیت و رفتار ایرانیان با مهاجران که شاید در چشم برخی ایرانیان بیگانگانی باشند که حق کمتری نسبت به شهروندان ایرانی دارند، سرچشمه گرفته باشد.

امنیت قضایی تنها بُعدی است که بیشتر پاسخگویان آن را کم احساس کرده‌اند؛ یعنی اعلام نموده‌اند که "احساس می‌کنند از حقوقی برابر با سایر شهروندان برخوردار نیستند"، "احساس می‌کنند در صورت این که مورد ارعاب، تهدید، تعرض و تجاوز قرار گیرند، قانون ایران از آنها حمایت نمی‌کند"، "قانون از جان، مال، آزادی و حیثیت آنها حمایت نمی‌کند". دلیل این امر را می‌توان کمبودهای قانونی، سیاست‌گذاری‌های نامتناسب و گاهی متناقض کشورمان درباره مهاجران و پناهندگان افغانی دانست به نحوی که بیشتر پناهندگان قانونی کشورمان از این که حقوق شهروندی آنها رعایت نمی‌شود، اظهار نارضایتی می‌کنند.

نتایج گویه‌های امنیت جمعی نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان جهت برگزاری تجمعات اعتراضی، مراسم سنتی و هرگونه سخنرانی احساس امنیت پایین و متوسطی دارند.

بیشتر پاسخگویان اعلام نموده‌اند که در ابراز نظرهایشان در مورد امور جامعه احساس ترس و عدم آزادی دارند و کسی به نظرشان اهمیت نمی‌دهد. از حاصل جمع ۲۷ گویه میزان احساس امنیت اجتماعی معلوم شد که بر این اساس بیشتر پاسخگویان احساس امنیت اجتماعی متوسط و پایین دارند و فقط تعداد کمی از آنها احساس امنیت بالایی را اعلام نمودند.

در مورد سه بعد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، هنجارهای همیاری و شبکه‌های اجتماعی) نیز نتایج نشان داد که بیشتر پاسخگویان به نزدیکان خود و کسانی که با آنها رابطه فردی دارند اعتماد بالا (اعتماد فردی) و اعتماد عمومی متوسط و پایینی دارند. نتایج حاصل از اعتماد نهادی نیز با نتیجه احساس امنیت قضایی پاسخگویان همسو بود به این ترتیب که تعداد بیشتری از پاسخگویان به نهادهای قضایی مانند: کلانتری، دادگاه و پلیس اعتماد خیلی کمی را اعلام نمودند. در مجموع، بیشتر پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی متوسط را نشان دادند. در مورد بعد دوم سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای همیاری هم بیشتر پاسخگویان وجود میزان متوسطی از هنجارهای همیاری را نشان

دادند. پاسخگویان مشارکت خود در شبکه‌های اجتماعی به عنوان سومین بعد از سرمایه اجتماعی را در حد متوسط اعلام نمودند. براساس نتایج حاصل از این سه متغیر، بیشتر پاسخگویان میزان سرمایه اجتماعی متوسطی را اعلام نموده و تعداد کم و مشابهی از پاسخگویان نیز میزان سرمایه بالا و پایینی را اعلام نمودند.

همچنین مشخص شد که میان سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی مهاجران افغانی ساکن شهر تهران رابطه معنادار وجود دارد و میان اعتماد اجتماعی و هنجارهای همیاری به عنوان دو بعد از سرمایه اجتماعی رابطه معنادار اثبات گردید. بر این اساس امنیت اجتماعی چه از منظر فردی و چه از منظر جمعی به صورت معلول سرمایه اجتماعی نمود پیدا می‌کند. از این رو، ضریب امنیت اجتماعی، متغیری از استقرار و قوام سرمایه اجتماعی خواهد بود.

پیشنهادات

نفس حضور مهاجران به صورتی اجتناب ناپذیر منجر به بروز تحولاتی مذهبی، فرهنگی و اجتماعی برای مهاجرین گشته و موجب پیامدهای مثبت و منفی شده است. از آنجایی که امکان به صفر رساندن تاثیرات منفی - با در نظر گرفتن حجم بالای مهاجرین و پراکندگی آنان و نبود نظم و ثبات قانونی - در امر مهاجرت وجود ندارد، پس باید جهت اصلاح پی آمدهای نامطلوب ناشی از مهاجرت تلاش و برنامه‌ریزی نمود. براساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر، در ادامه پیشنهاداتی در سه بعد "کلان، میانه و خرد" ارائه شده است.

در بعد کلان (ساختارهای کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

* در ایران در حوزه سیاستگذاری و نحوه اجرای قوانین و سیاست‌ها و همچنین مراکز تصمیم‌گیری در مورد مهاجران، اتفاق نظر وجود ندارد؛ لازم است که یک مرجع تصمیم‌ساز با قوانین شفاف وجود داشته باشد. همچنین تلاش جهت تدوین قوانین متناسب با شرایط مهاجران، جزء مهم‌ترین اقداماتی است که در زمینه افزایش احساس

امنیت اجتماعی مهاجران افغانی می‌توان انجام داد. وجود قوانین مناسب، بستر شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی است که می‌تواند، تامین‌کننده امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای باشد. این قوانین باید از ویژگی تناسب با نیازهای اجتماعی و قابلیت اجرا برخوردار باشند.

* برنامه‌سازی و توجه به مشکلات مهاجران درصدا و سیما و تلاش در جهت معرفی پناهندگان افغانی به عنوان شهروندانی که از حقوق و وظایف برابر با سایر شهروندان برخوردارند. اعضای جامعه هنگامی فرصت مشارکت واقعی، آگاهانه و معنادار در عرصه‌های مختلف را پیدا می‌کنند که نسبت به حقوق و تعهدات خود در جامعه آگاهی داشته و به آن عمل نمایند. این شناخت و عمل به آن در گرو به رسمیت شناختن شهروندی است. بنابراین شهروندی را می‌توان هسته اصلی مشارکت اجتماعی و سیاسی یک جامعه و سازنده امنیت اجتماعی دانست. پس به منظور برقراری جامعه سالم و پویا باید زمینه را برای تحقق شهروندی فراهم کرد. چنین اقداماتی به مهاجران احساس اهمیت داده و به ایجاد احساس تعلق به عنوان گامی جهت افزایش اعتماد اجتماعی در آنها کمک می‌کند.

* نیاز به ایجاد شبکه‌های سراسری آمار و اطلاعات اقتصادی و اجتماعی مهاجران (داخلی و خارجی) کشور؛ با توجه به این که آمار و اطلاعات مهاجران (حتی در مرکز آمار ایران) بسیار مختصر و دسترسی به آن دشوار می‌باشد. این درحالی است که برنامه ریزی صحیح در زمینه امور مهاجران نیازمند آمار و اطلاعات صحیح در این زمینه است.

* تقویت همکاری‌ها میان دولت ایران و افغانستان؛ در زمینه تصمیم‌گیری در مورد مهاجران غیرقانونی افغانی، احداث شرکت‌های ایرانی در افغانستان که هم موجب گسترش فرصت‌های شغلی در افغانستان، رونق اقتصادی و در دراز مدت کاهش مهاجرت‌های آنها با انگیزه اقتصادی به ایران شده و هم باعث رونق بازار مصرف کالاهای ایرانی در افغانستان می‌شود.

در بعد میانه (در قالب گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها)

* فوکویاما خانواده‌ها و گروه‌ها را از عوامل اصلی رشد سرمایه اجتماعی می‌داند. از آنجایی که می‌دانیم از مهم‌ترین عوامل تقویت سرمایه اجتماعی توجه به نهادهای اجتماعی کردن مانند خانواده و مدرسه می‌باشد و در وضعیتی که آگاهیم بسیاری از کودکان افغان جهت ورود به مدارس دچار مشکلات زیادی هستند، فراهم سازی امکان آموزش برای فرزندان مهاجران افغانی و همچنین تقویت آموزش‌های عمومی جهت حمایت فرهنگی خانواده‌های مهاجر، زمینه را برای جامعه پذیری ایشان و در نهایت تقویت سرمایه اجتماعی ایشان فراهم می‌آورد. مددکاران اجتماعی در این زمینه می‌توانند نقش مهمی بر عهده داشته باشند.

* آموزش خانواده‌ها جهت حفظ و تقویت هویت ملی و دینی فرزندان‌شان و تاکید بر توانایی فرزندان‌شان در ساختن آینده جامعه افغانستان؛ چرا که بوزان وجود هویت جمعی قوی را مساوی با احساس امنیت اجتماعی می‌داند.

* تقویت تشکلهای و انجمن‌های محلی با همکاری شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های مرتبط جهت مشارکت مهاجران در حل و فصل مشکلات‌شان؛ زیرا که افزایش مشارکت‌های مردمی از راه‌های افزایش اعتماد اجتماعی و در نهایت احساس امنیت اجتماعی است.

* ایجاد مراجع حل اختلافی که توسط افراد تحصیل کرده و معتمدین افغان اداره شوند؛ این امر به تقویت اعتماد مهاجران به سیستم قضایی کمک می‌کند.

* ایجاد فرصت برای تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد، موسسات قرض الحسنه و... توسط مهاجران افغانی جهت کمک خیرین افغانی به هموطنان‌شان؛ این اقدام امکان تقویت احساس امنیت جمعی و هنجارهای همیاری را در میان مهاجران به وجود می‌آورد.

* یکی از عواملی که مهاجران افغانی در آن زمینه احساس ناامنی می‌کردند ایمنی در برابر بیماری‌ها و حوادث بود، در این زمینه انجام اقداماتی مانند گسترش بیمه‌های خدمات درمانی، افزایش آگاهی مهاجران نسبت به مسائل بهداشتی و گسترش درمانگاه‌های خیریه در مناطق محروم و مهاجرنشین می‌تواند کمک کننده باشد.

* تلاش جهت افزایش احساس مسئولیت مهاجران افغان به حل مشکلات فردی و گروهی‌شان از طریق آموزش‌های جمعی در محلات، مساجد و... زیرا که سو مک گرگور این امر را موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌داند و نتیجه پژوهش حاضر نیز اثبات کرد که میان هنجارهای همیاری و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتیجه پژوهش، مددکاران اجتماعی می‌توانند با فعالیت در نواحی مهاجرنشین به ویژه در فرایند "مددکاری گروهی و جامعه‌ای" و استفاده از توانایی‌های مهاجران جهت رفع مشکلات خودشان، در زمینه تقویت سرمایه اجتماعی، که پیش زمینه آن ایجاد اعتماد اجتماعی، تقویت هنجارهای همیاری و مشارکت اجتماعی مهاجران افغان و نتیجه آن تقویت احساس امنیت اجتماعی است، بسیار موثر واقع شوند.

بعدخرد (عوامل فردی)

در این بعد بیشتر بر عوامل زمینه ساز جهت ایجاد امنیت روانی در افراد مهاجر تاکید می‌شود.

* مهاجران باید تلاش کنند که فقط به صرف این که مهاجر هستند، خود را در شرایط اجتماعی و کاری نابرابر قرار ندهند؛ زیرا گاهی این خود مهاجران هستند که با قبول شرایط نابرابر به کاهش احساس امنیت اجتماعی خود دامن می‌زنند.

* باید توجه داشت که مهاجرت از خانه و کاشانه، دوری از وطن و خویشتاوندان، محیطی که فرد در آن رشد نموده و قوانین اجتماعی آن برای وی قابل پیش‌بینی می‌باشند، و قرارگرفتن در محیطی که ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت و گاهی متضاد با

جامعه مبدا دارد، تاحدی احساس ناامنی در فرد به وجود می‌آورد به نحوی که حتی اگر شرایط جامعه مقصد مطلوب هم باشد، باز فرد مهاجر احساس آسایش و ایمنی کامل در آنجا نخواهد داشت. در اینجاست که آموزش مهارت‌های زندگی به مهاجران در زمینه حل چالش‌های روانی‌شان بسیار کمک کننده است و مددکاران اجتماعی در این زمینه می‌توانند بسیار موثر واقع شوند.

* تلاش مهاجران بر قانونی کردن حضورشان جهت برخورداری آنها از حداقل امکانات و شرایط قانونی موجود در ایران برای مهاجران افغان ضروری است. این امر یکی از شرایط قضایی و قانونی است که بیشتر مهاجران از آن احساس ناامنی می‌کنند.

در پایان باید یادآور شد که اگر بدنبال برنامه‌های اجرایی موثر در زمینه ارتقای امنیت اجتماعی هستیم باید ابتدا به تحقیق در این زمینه پردازیم و این متغیر را با توجه به شرایط اجتماعی متفاوت مانند: کلان شهرها، شهرستان‌ها، نواحی مرزی، قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی، خرده‌فرهنگ‌ها و... بررسی کنیم، تا بتوانیم جهت ارتقای امنیت اجتماعی هر منطقه متناسب با شرایط واقعی افراد آن منطقه برنامه‌ریزی نماییم. از آنجایی که چنین برنامه‌هایی برخاسته از نیازهای واقعی مردم است امکان توفیق آنها بیشتر است.

منابع

- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- پوتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: تقی دلفروز، تهران: انتشارات وزارت کشور، چاپ اول.

- توسلی، غلام عباس و همکار. (۱۳۷۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشرنی.
- شفیعی، حسن و همکار. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی پایدار، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، تهران: انتشارات آشنایی.
- شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۴)، *مجموعه مقاله‌های سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی*، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول.
- غریبی، حسن. (۱۳۸۹)، پیش‌بینی سرمایه اجتماعی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای، *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، سال دوم، شماره دوم.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰)، *سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*، مترجم: کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول.
- مارتین، فیلیپ. (۱۳۸۳)، *مهاجرت نیروی کار*، مترجم: حسن هفده تن، تهران: چاپ اول، موسسه کار و تامین اجتماعی.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۹)، *چهره متغیر امنیت ملی*، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۴)، مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، زمستان ۲۳۸۶، شماره ۴.

- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، تهران: سال ششم، شماره ۱۹.
- Oscar W. Gabriel. (۱۹۹۵), "*Political Efficiency and Trust, Edited in the Impact of Values*", by Sun W, Van Elinor Scorbrough, Oxford.
- Putnam, Robert, D and Goss, Kiritin, (۲۰۰۱). "*Intrudution*" in Putnam (ed) ", Democracies in flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.
- Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, AND Frans Scheryer, (۱۹۹۸). *Getting The Goods On Social Capital*" Rural Sociology, ۶۳(۲).

۴۱ رابطه میزان سرمایه اجتماعی با احساس امنیت ..